

بررسی مقایسه ای نیمرخ های شخصیتی افراد با ویژگی های افسردگی و وسواس جبری بالا در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان بستان آباد

رقیه سادات بلوکی^۱

^۱کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

نام نویسنده مسئول:

رقیه سادات بلوکی

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مقایسه ای نیمرخ های شخصیتی افراد با ویژگی های افسردگی و وسواس جبری بالا در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان بستان آباد می باشد. روش پژوهش از نوع علی مقایسه ای می باشد. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان بستان آباد می باشد که از بین آنها ۳۰۰ نفر از به روش تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شده اند و نتایج حاصل از بررسی ۳۰۰ نمونه به کل جامعه تعمیم داده خواهد شد. در این پژوهش روش استفاده شده برای نمونه گیری، روش نمونه گیری تصادفی ساده می باشد. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری استفاده شد. نتایج همبستگی نشان داد که بین افسردگی و وسواس جبری شخصیت ها ارتباطی وجود ندارد یعنی نمی توان به راحتی گفت که اشخاصی که دچار افسردگی هستند به حتم دچار وسواس جبری هستند و یا بالعکس اشخاصی که دچار وسواس جبری هستند حتما دچار افسردگی هستند یا خواهند شد. همچنین یافته های تحقیق حاضر حکایت از این بحث دارد که بین وسواس جبری و متغیرها و شاخص هایی مثل: روان رنجوری، برون گرایی و یا گشودگی ارتباط و ارتباط موفق داشتن و ارتباط با وجدان داشتن رابطه وجود دارد، همچنین رابطه بین افسردگی و شاخص هایی همچون روان رنجور بودن و ارتباط موفق داشتن را تشریح می کند، این نتیجه را جلوه گر می سازد که رابطه ای بین افسردگی و این آیتم ها وجود ندارد و افرادی که دچار افسردگی می باشند در اثر افسردگی و انزوایی که دچار آن شده اند، قادر به برقراری ارتباط با افراد و به نوعی برون گرایی نیستند تا ارتباط موفق هم داشته باشند. طبق این یافته ها می توان اذعان نمود که افرادی با شخصیت درون گرا بیشتر دچار افسردگی هستند و افرادی با شخصیت برون گرا دچار وسواس جبری هستند. این نتیجه همسو با یافته های محمد نقی فراهانی؛ فرهاد جوکار، در پژوهشی با عنوان نیمرخ شخصیتی پنج صفت بزرگ ایرانی (گردون) در مشاغل کارگری، معملی و پرستاری می باشد.

کلیدواژه ها: نیمرخ های شخصیتی، افسردگی، وسواس جبری، دانشگاه پیام نور بستان آباد.

مقدمه و بیان مسئله:

افسردگی^۱ یک نوع اختلال عاطفی است، بارز ترین علامت اختلالات عاطفی تغییرات و نوسانات مشهوری است که در خلق بیماران مبتلا به آن یافت می شود. که معمولاً به شدت متفاوت است از خلق بیماران مبتلا به آن یافت می شود که معمولاً به شدت متفاوت است از خلق افراد سالم، و تظاهر آن به صورتهای افسردگی و یا خوشحالی زیاده از حد (مانی) می باشد. مانی عبارت است از سرخوشی، گشاده رویی، تحریک پذیری، پر حرفی، عزت نفس کاذب و پرورش فکری افراطی. افسردگی هم دارای علائم و نشانه های بارزی همچون احساس غمگینی شدید، عصبانیت و بی حوصلگی، بی علاقه ای و عدم لذت بردن از فعالیت های تفریحی، کاهش انرژی یا بیقراری، بی اشتها، کاهش وزن، بی خوابی، کاهش قوای ذهنی، کاهش میل جنسی، احساس بی ارزشی و گناه، احساس نومیدی، فکر خود کشی و علائم و درد های جسمانی باشد (شاملو، ۱۳۶۴) یا به قول دیگر افسردگی حالت روانی ناخوشایندی است که با دلزدگی، یاس، خستگی پذیری مشخص می شود و غالباً با یک اضطراب کم و- بیش شدید همراه است (منصور، دادستان، ۱۳۶۵).

افسردگی یک هیجان عادی بیشتر است، این افسردگی عادی یا علایمی مثل غمگینی، دلشکستگی، نومیدی، ناکامی، ناشادی مشخص می شود. این احساس همگانی و عمومی است و به عنوان اختلال غیر عادی تلقی نمی شود.

افسردگی را شاید بتوان به حالتی توصیف کرد که با تغییر اساسی و اولیه در خلق و با مداومت احساس غم و اندوه به درجات مختلف مشخص می گردد (اخوت جلیلی، ۱۳۶۲). تعریفی که بک^۲ در سال (۱۹۷۶) بیان کرد، این است که اصطلاح افسردگی به مجموعه رفتارهایی اطلاق می شود که عناصر مشخص آن کندی حرکت و کلام است گریستن، غمگینی، فقدان پاسخ های فعال، فقدان علائم، کم ارزشی، بی خبری و بی اشتها از دیگر علائم آن است (میثمی، ۱۳۶۷). افسردگی اصطلاح وسیع و مبهمی است، برای شخص عادی حالتی مشخص با غمگینی و گرفتگی و بی حوصلگی و برای پزشک گروه وسیعی از اختلالات عاطفی با زیرشاخه های متعدد را تداعی می کند. خصوصیت اصلی و مرکزی حالت افسردگی کاهش عمیق میل به فعالیت های لذت بخش روز مره مثل معاشرت، تفریح، ورزش، غذا و سکس است. این ناتوانی برای کسب لذت، حالتی نافذ و پایا دارد (فردیک، فلک، ۱۳۷۱).

پژوهش ها نشان می دهند افسردگی در افراد با ویژگی های شخصیتی آنان رابطه دارد طبق این پژوهش ها مردم، زیبایی ظاهری را با ویژگی های شخصیتی پسندیده همچون هوش، شایستگی، عزت نفس و پذیرش اجتماعی، ربط می دهند (اسمیت^۳ و مک کی^۴، ۲۰۰۰). از آن جا که جراحی های زیبایی، برای تغییر ظاهر افراد و افزایش خشنودی و بهبود اعتماد به نفس آن ها انجام می شود، جراحی زیبایی را می توان پیامد یک الگوی روان شناختی و شخصیتی معین دانست (مسعودزاده و همکاران، ۱۳۸۸). عزت نفس پایین و تصویر بدنی منفی معمولاً استرس هایی را برای فرد به دنبال دارد که فرد برای غلبه بر آن ها راهبردهای مقابله ای خاصی را به کار می گیرد. ویژگی های شخصیتی بر راهبردهایی که فرد در مقابله با استرس های زندگی از آن ها استفاده می کند، تأثیر می گذارد (بشارت، ۱۳۸۶). از این رو، درک و شناخت ویژگی های شخصیت اهمیت دارد. هر انسان آمیزه ای از سه ویژگی نوعی، فرهنگی و فردی را در خود دارد و مجموعاً کلیت منحصر به فردی را تشکیل می دهد که مورد توجه و امعان نظر روانشناسی شخصیت است. کلیت مفهوم، و به همین لحاظ پیچیدگی آن، موجب شده است که واژه «شخصیت» به شیوه های مختلفی تعریف شود (گروسی-فرشی، ۱۳۸۰). شخصیت در اصطلاح عامه معانی متعدد دارد. یکی از آن معانی هیبت یا «جریزه» است. از این رو کسی که می تواند نظر و اراده خود را به گروهی از افراد تحمیل کند، آدمی با شخصیت به شمار می رود. معنی مصطلح دیگر شخصیت به طور کلی هر نوع صفت اخلاقی برجسته ای است (مانند شجاعت اخلاقی، قوت اراده، مناعت طبع و ...) که سبب امتیاز فرد آدمی می گردد تا آنجا که او را به خصوص به آن صفتی شناسند و به خاطر آن صفت می ستایند. واژه شخصیت در اصطلاح، بلندی مقام را هم می رساند، چنان که گفته می شود: شخصیت های علمی، شخصیت های مملکتی و ... کلمات «اخلاقی» و «حقوقی» که به شخصیت اضافه می شوند معانی تازه ای به آن می دهند. اما شخصیت از نظر «فلسفی» بیشتر به جوهر مجردی اطلاق می شود که مستقل از بدن و

^۱. depression^۲Beck^۳- Smith^۴- Mackie

حاکم بر آن پنداشته شده است و معمولاً با واژه‌های روان، نفس، روح و نظایر آن تعبیر می‌گردد (سیاسی، ۱۳۸۴). شخصیت ترجمه کلمه انگلیسی Personality است. این کلمه از واژه لاتین person گرفته شده و در فرهنگ روم در دو معنی به کار رفته است: ابتدا به معنی «ماسک» یا «قیافه دروغین» استعمال می‌شد، ماسک را بازیگران تأثر هنگام اجرای نقش مورد استفاده قرار می‌دادند. بعدها همین کلمه را به معنای خود بازیگر به کار می‌بردند و منظور از شخصیت، قیافه حقیقی فرد بود (شریعتمداری؛ ۱۳۸۲؛ به نقل از رحیمی بازنه، ۱۳۸۸).

در روانشناسی اصطلاح شخصیت هیچ یک از معانی یاد شده را ندارد، بلکه از آن کل وجود (چه بدنی و چه روانی) آدمی مراد می‌شود (سیاسی، ۱۳۸۴). روان‌شناسان، شخصیت را نتیجه و محصول تأثیر متقابل فرد و محیط طبیعی و اجتماعی او فرض می‌کنند و در بررسی شخصیت افراد خصوصیات بدنی، نحوه تفکر، ایده‌آل‌ها، علائق، استعدادها و چگونگی سازگاری فرد را با محیط و طرز برخورد او را با دیگران مورد توجه قرار می‌دهند (شریعتمداری؛ ۱۳۸۲؛ به نقل از رحیمی بازنه، ۱۳۸۸).

اختلال وسواسی - جبری، یک بیماری عصبی - روانی است که با افکار زجرآور مکرر و رفتارهای تکراری یا عادات ذهنی مشخص می‌گردد که برای کاهش اضطراب انجام می‌شوند. علائم اغلب با احساس خجالت و پنهان‌کاری همراه هستند چرا که بیماران تشخیص می‌دهند که افکار و رفتارها، افراطی یا غیرمعقول هستند. این پنهان‌کاری همراه با عدم تشخیص علائم اختلال وسواسی - جبری توسط پزشکان، اغلب منجر به تأخیر طولانی در تشخیص و درمان می‌شود. معروف است که درمان اختلال وسواسی - جبری دشوار است اما روش‌های متعدد و موثری برای درمان در دسترس هستند. در این پژوهش به بررسی مقایسه ای نیمرخ‌های شخصیتی افراد با ویژگی‌های افسردگی و وسواس جبری بالا در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان بستان آباد پرداخته خواهد شد.

اهداف تحقیق:

هدف کلی این تحقیق بررسی مقایسه ای نیمرخ‌های شخصیتی افراد با ویژگی‌های افسردگی و وسواس جبری بالا در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان بستان آباد می‌باشد.

پیشینه تحقیق

گورین^۱ (۱۹۶۰) در بررسی میزان افسردگی میان زنان متأهل و پرستار با مردان متأهل و پرستار به این نتیجه رسید که میزان افسردگی در زنان بیشتر از مردان است در یک بررسی بالنسبه جدید در لوس آنجلس بیش از ۱۹ درصد بزرگسالان در زمره افراد افسرده قرار گرفتند. که در این میان تعداد زنان افسرده ده برابر مردان افسرده بود. (هاوتن، ک^۲ ۱۹۸۳). براون^۳ (۱۹۶۱) در تحقیقی نشان داد که بین از دست دادن والدین در کودکی و افسردگی بعدی افراد ارتباط نسبتاً زیادی وجود دارد و او دریافت که ۴۱٪ از ۲۶ بزرگسال مبتلا به بیماری یکی از والدین خود را در سنین پایین تر از ۱۵ سالگی به علت مرگ از دست داده اند. بک و همکاران (۱۹۶۳) در تحقیقی نشان دادند که بین شدت افسردگی و مرگ والدین همبستگی مثبت وجود دارد و بیماران افسرده فاقد پدر در مقایسه با سایر افراد افسرده علائم بیشتری از خود نشان می‌دهند. تنکابنی و رضایی (۱۳۷۰) در تحقیقی تحت عنوان بررسی و مقایسه میزان افسردگی بین دانش آموزان دختر و پسر سال چهارم دبیرستان در شهرستان محلات انجام دادند به این نتیجه رسیدند که افسردگی در دختران بیشتر از افسردگی در پسران مقطع چهارم متوسطه می‌باشد. گودرزی (۱۳۶۹). جعفری (۱۳۷۲) در تحقیق تحت عنوان بررسی و مقایسه میزان افسردگی در بین دانش آموزان دختر و پسر سال چهارم دبیرستانهای منطقه سلطانیه به این نتیجه رسید که تفاوت معناداری بین گروه‌های مورد مقایسه وجود ندارد. کریمی (۱۳۶۹) در تحقیقی تحت عنوان مقایسه و میزان افسردگی در میان دانشجویان دختر و پسر در دانشکده علوم تربیتی علامه طباطبائی انجام داد نتیجه به دست آمده حاکی از این بود که تفاوت آماری معنی داری در میزان افسردگی دختر و پسر وجود ندارد. علیپور و بیابانگرد (۱۳۶۷)

^۱.Goreen

^۲.Hawton-k

^۳.Brown

در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین میزان افسردگی دانش آموزان مدارس راهنمایی شاهد و غیر شاهد و مقایسه آنها به این نتیجه رسیدند که میزان افسردگی در بین دانش آموزان شاهد پسر سال سوم راهنمایی مدارس شاهد منطقه یازده تهران بیش از میزان افسردگی در بین دانش آموزان پسر غیر شاهد سال سوم راهنمایی در مدارس منطقه یازده است. قاسمی (۱۳۷۳) طی تحقیقی تحت عنوان بررسی میزان افسردگی دانش آموزان مقطع دبیرستان در رابطه با افت تحصیلی به این نتیجه رسید که دو گروه دختران و پسران در رابطه با افت تحصیلی شان دچار افسردگی می باشد و افسردگی ناشی از افت تحصیلی در بین دختران بیشتر می باشد.

روش پژوهش :

در این پژوهش چون هدف بررسی مقایسه ای نیمرخ های شخصیتی افراد با ویژگی های افسردگی و سواس جبری بالا در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان بستان آباد می باشد. روش پژوهش علی مقایسه ای می باشد. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان بستان آباد می باشد که از بین آنها ۳۰۰ نفر از به روش تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شده اند و نتایج حاصل از بررسی ۳۰۰ نمونه به کل جامعه تعمیم داده خواهد شد. در این پژوهش روش استفاده شده برای نمونه گیری، روش نمونه گیری تصادفی ساده می باشد. روشی که در آن برای هر یک از اعضای جامعه (واحد نمونه گیری) امکان مساوی برای انتخاب شدن، فراهم شود. این روش بر انتخاب واحدهایی از کل جامعه اشاره می کند، به طوری که هر واحد دارای احتمال مساوی (غیر صفر) برای بودن به عنوان عضوی از اعضای نمونه باشد. به صورت دقیق تر در روش نمونه گیری تصادفی ساده هر یک از اعضای جامعه دارای شانس مساوی و مستقل برای انتخاب شدن، هستند.

ابزار اندازه گیری تحقیق

۱- پرسشنامه شخصیتی NEO نمره گذاری و روایی و پایایی آن
این مقیاس دارای ۶۰ سوال است. در هر سوال آزمودنی نمره صفر تا چهار را احراز می کند. هر یک از سوال ها نشان دهنده یکی از پنج عامل بزرگ شخصیت مک کرا و کاستا به ترتیب، عامل N روان آزاده گرایی، E برون گرایی، O گشودگی، A موافق بودن و C با وجدان بودن است. هر یک از عوامل ۱۲ سوال مقیاس را پوشش می دهند. در کل آزمودنی در هر مقیاس نمره ای از صفر تا ۴۸ کسب می کند.

در خصوص اعتبار NEO- FFI، نتایج چندین مطالعه حاکی از آن است که زیر مقیاس های NEO- FFI، همسانی درونی خوبی دارند. به عنوان مثال: کاستا و مک کرا (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ (برای موافق بودن) تا ۰/۸۶ (برای روان آزاده گرایی) را گزارش کرده اند. هلدن (۱۹۹۹) نیز ضریب آلفای این ۵ عامل را در دامنه ۰/۷۶ (برای گشودگی) تا ۰/۸۷ (برای روان آزاده گرایی) گزارش می کند. نتایج مطالعه مورادیان و نزلک (۱۹۹۵) نیز حاکی از آن است که آلفای کرونباخ روان آزاده گرایی، برون گرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بوده به ترتیب عبارت است از ۰/۸۴، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۵ و ۰/۸۳. گزارش هایی نیز در ارتباط با روایی عوامل NEO- FFI ارائه شده است. مک کرا و کاستا (۱۹۸۹) اظهار می دارند که ابزار کوتاه شده NEO با فرم کامل آن (NEO- PI) مطابقت دقیقی دارد به گونه ای که مقیاس های فرم کوتاه، همبستگی بالاتر از ۰/۶۸ را با مقیاس های فرم کامل دارا می باشند. مک کرا و کاستا در مطالعه دیگری (۱۹۹۲) گزارش می کنند که اعتبار ۵ عامل NEO- FFI براساس همبستگی با ارزیابی های همسر و همسالان به ترتیب در دامنه ای از ۰/۴۴ برای با وجدان بودن تا ۰/۶۵ برای گشودگی قرار دارد. در ضمن در این مطالعه گزارش شده است که این پرسشنامه، ۸۵ درصد واریانس را در اعتبار همگرا، که از ارزیابی های صفات مشابه با استفاده از تایید صفت و ارزیابی های همسر و همسالان به دست آمده است، تبیین می کند.

روش آماری تحقیق

در بخش آمار توصیفی از میانگین، فراوانی، انحراف استاندارد، نمودارها، فراوانی درصدی استفاده می شود و در بخش آمار استنباطی از آزمون t مستقل برای مقایسه، همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط دو متغیر استفاده خواهد شد.

روش تجزیه تحلیل اطلاعات

در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS استفاده شد.

یافته های تحقیق

به منظور مطالعه و بررسی ارتباط متغیرها و همبستگی بین آنها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

همبستگی ها

	با وجدان بودن	موافق بودن	گشودگی	برون گرایی	روان آزردگی	od	od
ضریب همبستگی پیرسون	-.132	.108	-.124	-.050	.188	123	1
معیار تصمیم	.068	.145	.082	.486	.010	118	
تعداد	190	190	198	198	---	212	
ضریب همبستگی پیرسون	.252	.340	.205	.478	.336	1	123
معیار تصمیم	.000	.000	.002	.000	.000	.118	
تعداد	213	208	223	213	209	183	234
ضریب همبستگی پیرسون	-.184	.108	-.015	.179	1	.336	.188
معیار تصمیم	.065	.097	.808	.008	.000	.010	
تعداد	235	235	253	239	264	188	209
ضریب همبستگی پیرسون	.063	.285	.296	1	.179	.478	-.050
معیار تصمیم	.415	.000	.000	.000	.008	.000	.486
تعداد	237	234	255	270	239	198	213
ضریب همبستگی پیرسون	.277	.030	1	.294	-.015	.205	-.124
معیار تصمیم	.000	.635		.000	.808	.002	.082
تعداد	250	249	282	255	253	198	223
ضریب همبستگی پیرسون	.235	1	.030	.285	.108	.340	.108
معیار تصمیم	.000	.000	.635	.000	.000	.000	.145
تعداد	240	264	249	234	235	190	208
ضریب همبستگی پیرسون	1	.236	.277	.053	-.184	.252	-.132
معیار تصمیم	.000	.000	.000	.415	.005	.000	.068
تعداد	281	240	250	257	235	190	213

- ضریب همبستگی بین افسردگی و وسواس ۰/۱۲۳ است و $\text{Sig} = ۰/۱۱۸ > ۰/۰۵$ است. یعنی ارتباط وجود ندارد.
- با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بین وسواس جبری باروان آزردگی ارتباط وجود دارد $۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$ و $۰/۳۳۶ =$ پیرسون
- بین برونگرایی با وسواس ارتباط وجود دارد. $\text{Sig} = ۰/۰۰ < ۰/۰۵$ و $۰/۴۷۸ =$ پیرسون
- بین وسواس جبری با گشودگی ارتباط وجود دارد. $\text{Sig} = ۰/۰۰۲ < ۰/۰۵$ و $۰/۲۰۵ =$ پیرسون
- بین وسواس جبری با موافق بودن ارتباط وجود دارد. $\text{Sig} = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$ و $۰/۳۴۰ =$ پیرسون
- بین وسواس جبری و با وجدان بودن ارتباط وجود دارد. $\text{Sig} = ۰/۰۰ < ۰/۰۵$ و $۰/۲۵۲ =$ پیرسون
- بین روان آزردگی و برون گرایی رابطه وجود ندارد $\text{Sig} = ۰/۰۰۶ > ۰/۰۵$ و $۰/۱۷۹ =$ پیرسون
- بین روان آزردگی و گشودگی رابطه ای وجود ندارد. $\text{Sig} = ۰/۸۰۸ > ۰/۰۵$ و $-۰/۰۱۵ =$ پیرسون
- بین روان آزردگی با موافق بودن ارتباط وجود ندارد. $\text{Sig} = ۰/۹۷ > ۰/۰۵$ و $۰/۱۰۸ =$ پیرسون
- بین روان آزردگی و با وجدان بودن ارتباط وجود دارد. $\text{Sig} = ۰/۰۰۵ = ۰/۰۵$ و $-۰/۱۸۴ =$ پیرسون

- بین برون گرایی و گشودگی ارتباط وجود دارد. $\text{sig} = 0/000 < 0/05$ و $\text{پیرسون} = 0/298$
- بین برون گرایی و موافق بودن رابطه وجود دارد. $\text{sig} = 0/000 < 0/05$ و $\text{پیرسون} = 0/285$
- بین برون گرایی و با وجدان بودن رابطه ای وجود ندارد. $\text{sig} = 0/415 > 0/05$ و $\text{پیرسون} = 0/053$
- بین موافق بودن و با وجدان بودن رابطه وجود دارد. $\text{sig} = 0/000 < 0/05$ و $\text{پیرسون} = 0/236$

خلاصه مدل

Model	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعدیل شده	خطای معیار	دوربین واتسون
1	.175*	.031	.024	9.55809	1.787

در این جدول معیار دوربین واتسون = $1/787$ است اگر این معیار بین $1/5$ و $2/5$ باشد فرض استقلال بین خطا پذیرفته می شود. چون $1/787$ بین این دو مقدار است پس خطاها مستقل و از رگرسیون استفاده می کنیم.

تحلیل واریانس

Model	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	معیار تصمیم
1 رگرسیون	438.428	1	438.428	4.779	.030*
باقی مانده	13789.158	151	91.319		
مجموع	14225.582	152			

ضرایب

Model	ضرایب		ضرایب	t	معنی	معیار هم	
	B	...	Beta			VIF	
1 ثابت	18.503	2.705		6.841	.000		
	.199	.091	.175	2.188	.030	1.000	1.000

در این جدول ضریب تولوانس و ضریب VIF (عامل تورم واریانس) بدست آمده است هرچه قدر تولوانس کمتر باشد مشکلاتی در ایجاد رگرسیون بدست می آید VIF معکوس تولوانس است و هر چه قدر افزایش یابد ضریب رگرسیون افزایش می یابد و رگرسیون نا مناسب می شود.

Model	Beta In	t	معیار تصمیم	همبستگی partial	معیار هم خطی		
					VIF	مینیم	
1	گشودگی	1	1	1	1	1	1
	موافق						
	بودن						
	با وجدان						

جدول مباحث تشخیصی همخطی

Model	بعد	مقدار ویژه	شاخص شرطی	نسبت واریانس	
				ثابت	تعداد
1	1	1.958	1.000	.02	.02
2	2	.042	8.856	.98	.98

جدول Collinearity Diagnostic- بترتیب مقدار ویژه و شاخص وضعیت را نشان می دهد که مقدار ویژه نزدیک به صفر نشان دهنده همبستگی زیاد به متغیرها ست و شاخص وضعیت با مقدار بیش از ۱۵ نشان دهنده احتمال هم خطی بین متغیرهای مستقل می باشد که ۰/۰۴۲ نشان دهنده همبستگی بین متغیرهای مستقل است .

جدول و آمار باقی مانده ها

	تعداد	انحراف معیار	میانگین	ماکزیم	
مقدار پیش بینی	188	1.89444	24.0008	32.4280	20.2934
باقی مانده	188	9.77157	-.49004	26.31983	-23.47023
انحراف معیار مقدار پیش	188	1.000	-.100	4.872	-2.288
مقدار	188	1.023	-.051	2.754	-2.458

خلاصه مدل

Model	دوربین و استون	خطای معیار	ضریب تعدیل کده	ضریب تعین	ضریب همبستگی
1		8.88748	.103	.109	.330 ^a
2		8.53195	.174	.183	.428 ^b
3	1.908	8.35519	.208	.221	.471 ^c

تحلیل واریانس

Model	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	میان تصمیم
1	1636.737	1	1636.737	20.722	.000 ^a
باقی مانده	13427.774	170	78.987		
مجموع	15064.512	171			
2	2762.297	2	1381.149	18.973	.000 ^b
باقی مانده	12302.215	169	72.794		
مجموع	15064.512	171			
3	3336.565	3	1112.188	15.932	.000 ^c
باقی مانده	11727.946	168	69.809		
مجموع	15064.512	171			

ضرایب

Model	مختصات استاندارد نقطه		ضرایب استاندارد شده	t	میان تصمیم	میان هم خطی	
	B	انحراف میان	Beta			ضریب تصادف	VIF
1	17.642	3.246		5.435	.000		
موافق							
بدون	.538	.118	.330	4.552	.000	1.000	1.000
2	9.588	3.729		2.571	.011		
موافق							
بدون	.523	.114	.320	4.602	.000	.999	1.001
روان آزاده	.306	.078	.274	3.932	.000	.999	1.001
کتابی							
3	3.215	4.275		.752	.453		
موافق							
بدون	.542	.111	.332	4.884	.000	.995	1.005
روان آزاده	.304	.076	.272	3.990	.000	.999	1.001
کتابی	.226	.079	.196	2.868	.005	.996	1.004

بحث و نتیجه گیری

براساس نتیجه های حاصله از آمارهای تحقیق حاضر که در ارتباط اهداف تحقیق انجام پذیرفته است می توان گفت که بین افسردگی و وسواس جبری شخصیت ها ارتباطی وجود ندارد یعنی نمی توان به راحتی گفت که اشخاصی که دچار افسردگی هستند به حتم دچار وسواس جبری هستند و یا بالعکس اشخاصی که دچار وسواس جبری هستند حتما دچار افسردگی هستند یا خواهند شد. این نتیجه همسو با یافته های روشن (۲۰۰۷) می باشد که نشان داد بین افسردگی و اضطراب رابطه معنادار وجود ندارد. همچنین یافته دیگر تحقیق حاضر حکایت از این بحث دارد که بین وسواس جبری و متغیرها و شاخص هایی مثل: روان رنجوری، برون گرایی و یا گشودگی ارتباط و ارتباط موفق داشتن و ارتباط با وجدان داشتن رابطه وجود دارد، به عبارتی اشخاصی که دچار وسواس جبری هستند شخصیت جامعه گریز ندارند و بر عکس در جامعه نقش اصولا موفقی ایفا می نمایند. اما یافته های دیگر تحقیق که رابطه بین افسردگی و شاخص هایی همچون روان رنجور بودن و ارتباط موفق داشتن را تشریح می کند، این نتیجه را جلوه گر می سازد که رابطه ای بین افسردگی و این آیتم ها وجود ندارد و افرادی که دچار افسردگی می باشند در اثر افسردگی و انزوایی که دچار آن شده اند، قادر به برقراری ارتباط با افراد و به نوعی برون گرایی نیستند تا ارتباط موفق هم داشته باشند. طبق این یافته ها می توان اذعان نمود که افرادی با شخصیت درون گرا بیشتر دچار افسردگی هستند و افرادی با شخصیت برون گرا دچار وسواس جبری هستند. این نتیجه همسو با یافته های محمد نقی فراهانی؛ فرهاد جوکار، در پژوهشی با عنوان نیمرخ شخصیتی پنج صفت بزرگ ایرانی (گردون) در مشاغل کارگری، معلمی و پرستاری می باشد.

پیشنهادهای پژوهشی

- پیشنهاد می شود پژوهش با همین عنوان در بین دانشجویان سایر شهرها نیز انجام شود.
- با انتشار مقالات و نتایج تحقیقات انجام گرفته در زمینه متغیرهای تاثیرگذار بررسی مقایسه ای نیمرخ های شخصیتی افراد با ویژگی های افسردگی و وسواس جبری بالا در بین دانشجویان اهمیت این متغیرها و نقش آنها در سرنوشت جامعه آگاه نمایند.
- این تحقیق در سطح شهرستان بستان آباد صورت گرفته است لذا پیشنهاد می شود که تحقیق حاضر در سطح سایر شهرستانهای استان انجام گرفته و نتایج آن با یکدیگر مقایسه و از این طریق بر اعتبار این تحقیقات افزوده شود.
- با توجه به تعداد عوامل بازدارنده افسردگی پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی فاکتورهای دیگر در این خصوص شناسایی شده و مورد ارزیابی قرار گیرند تا بدین ترتیب میزان تاثیر هر یک از این عوامل بازدارنده مشخص گردد.
- پیشنهاد می شود میزان بازدارندگی هر یک از عوامل با استفاده از پرسشنامه های دیگر مورد سنجش قرار گیرد تا بدین ترتیب بر روایی ملاکی ابزار مورد استفاده در این تحقیقات افزوده شود.

منابع و مآخذ

- شاملو، ۱۳۶۴
- دادستان، منصور، ۱۳۶۵
- جلیلی، اخوت ۱۳۶۲
- بک، ۱۹۷۶
- میثمی، ۱۳۶۷
- فردریک، فک، ۱۳۷۱
- اسمیت و مک کی، ۲۰۰۰
- بشارت، ۱۳۸۶
- گروسی، فرشی، ۱۳۸۰
- سیاسی، ۱۳۸۴
- شریعتمداری، ۱۳۸۲ به نقل از رحیمی بازنه، ۱۳۸۸
- منصور، ۱۳۷۴ به نقل از گروسی، ۱۳۸۰
- کریمی، ۱۳۷۴ به نقل از گروسی فرشی، ۱۳۸۰
- آیزنگ، ۱۹۷۵
- لارسن و باس، ۲۰۰۵
- کلاریچ و دیویس، ۲۰۰۱
- ماسون، کلاریچ، جکسون، ۱۹۹۵
- دی و پیتز، ۱۹۹۹
- دیگمن و تاگوموتوچک، ۱۹۸۱ به نقل از گروسی فرشی، ۱۳۸۰
- مک کری و کاستا، ۱۹۸۵
- مک کین لی و هاتاوی، ۱۹۵۱
- زیگموند فروید، ۱۹۱۷
- رادو، ۱۹۲۸
- فینجل، ۱۹۴۵
- آرتی و بمپوراد، ۱۹۷۸
- لوین، سوهن و ارکوناد، ۱۹۸۱
- لارسن، بس، ۱۹۹۱
- تنکابنی و رضایی، ۱۳۷۰
- گودرزی، ۱۳۶۹
- موسوی، ۱۳۶۸
- روشن، ۱۳۶۹
- قاسمی، ۱۳۷۳
- بک، ۱۹۶۷